

معامله گری های سیاسی حکومت افغانستان و عواقب نا گوار آن

پس از سقوط نظام طالبی در تقریباً ده سال قبل و روی کار آمدن حکومت مؤقت و بعد هم حکومت فعلی تا کنون، محور سیاست خارجی افغانستان را مخصوصاً با کشور های همسایه، معامله گری های سیاسی و سیاست تسلیم طلبانه و تضرع تشکیل داده است. اینگونه روش باعث آن گردیده که نه تنها طالبان و حامیان شان کسب قدرت و اعتبار کنند بلکه سردمداران و مربیون شان در دستگاه دولتی و نظامی پاکستان پا از گلیم خویش فراتر گذاشته و خود را بالای سر افغانستان آقا تصور کنند.

کشته شدن اسامه بن لادن در همسایگی اکادمی عالی نظامی پاکستان و در نزدیکی اسلام آباد بالاخره طشت بدنمی پاکستان را از بام انداخت و همه جهان را به ماهیت واقعی بازی های دوگانه و حمایت آنها از القاعده و طالبان آگاه ساخت، الا جناب عمر داوودزی سفیر آقای کرزی در پاکستان که سوابقی با ولی نعمت های خود، حزب اسلامی و دولت پاکستان دارد و میگوید که: "لزوماً دستگاه استخبارات نظامی و یا حکومت پاکستان از طالبان حمایت نمی کنند."

این در حالیست که اسناد بدست آمده از مقر اسامه بن لادن همکاری القاعده را با طالبان و استخبارات پاکستان را با القاعده به اثبات رسانده است.

از جانب دیگر هنوز هم آقای کرزی با پیروی از سیاست تسلیم طلبانه و مسامحه با تضرع و خضوع می خواهد طالب را وادار سازد که سلاح به زمین گذارد و در عملیه سیاسی دخیل گردد که نه به آن عقیده دارد و نه هم توان فکری.

روش حکومت افغانستان در برابر همسایگان مخصوصاً پاکستانی ها را تشویق کرده است که به افغانستان بحیث یکی از مستعمرات خود بنگرند. مذاکرات اخیر یوسف رضا گیلانی صدراعظم پاکستان در افغانستان و فهرست فرمایشات او برای آقای کرزی، آنطوری که در مطبوعات افشا گردید، نشان میدهد که پاکستانی ها با چه جسارت و تبختری با افغانها صحبت میکنند. حق هم با آنهاست چون این رهبران افغانستان بوده اند که در بیست سال گذشته چنین موقعی برای آنها داده اند.

اظهار عجز نزد ستم پیشگان خطاست اشک کباب باعث طغیان آتش است

تضرع رهبری افغانستان به پیشگاه! طالب و حامیانش نمی تواند ثمر بهتری از این داشته باشد. هنوز هم برای افغانستان دیر نشده که اشتباهات گذشته را جبران نماید. تغییر اوضاع و شرایط پس از کشته شدن اسامه، پاکستان را در وضعیتی قرار داده که یا باید راه یک کشور متمدن و راستکار را در پیش گیرد و با جامعه جهانی مخصوصاً، ایالات متحده، کشور های ائتلاف، همسایگان، افغانستان و هند در یک صف قرار گرفته و صادقانه علیه دهشت افگنی و افراط گرایی بجنگد و یا انزوای سیاسی و اقتصادی را استقبال کند.

اگر درایت سیاسی با در نظر داشت منافع ملی بکار گرفته شود افغانستان میتواند از این موقعیت بهره برداری اعظمی نماید. به نحوی که فشار نظامی را بر مخالفین تحت حمایت پاکستان افزایش دهد و در عین زمان هیچگونه پیش شرطی را برای مذاکره با طالبان نپذیرد، نه زندانیان آنها را آزاد کند و بعد بگوید که زندان را نقب زدند و فرار کردند و نه هم سر تعظیم به خواسته های حامیان شان فرود آورد.

تماس با رهبران طالبان و حامیان شان چون گلبدین حکمتیار و شبکه حقانی باید یکی از اصول اساسی هر گونه تماس و یا مذاکره با طالبان باشد نه اینکه یکی از ارتباطی های حزب اسلامی آقای حکمتیار برای فراهم نمودن سازشهای سیاسی دیگر بحیث سفیر تعیین گردد. مردم افغانستان به سختی میتوانند ظلم طالب و ویران گری ها و راکت باران های آقای حکمتیار را فراموش کنند. اگر حافظه برخی از رهبران ضعیف باشد / حافظه ملت ها ضعیف نیست

پایان.

دپانو شمیره: له ۱ تر 1

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ